

## ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احیاء و توسعه اراضی کانون ابوذر در منطقه ۱۷ تهران

اسماعیل جهانی دولت‌آباد

دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

sml.jahani@gmail.com

### چکیده

مطالعه حاضر با هدف ارزیابی تأثیرات احیاء و توسعه اراضی کانون ابوذر در منطقه ۱۷ تهران به مرحله اجرا درآمده است. مدل نظری پژوهش بر مفهوم عدالت فضایی و توسعه پایدار استوار بوده، برای ارزیابی تأثیرات اقدام از روش‌های مختلف کمی و کیفی، اعم از انجام پیمایش در حوزه مداخله پروژه، مصاحبه با گروه‌های مختلف ذی‌نفع و نیز مشاهدات میدانی استفاده شده است. ارزیابی تأثیرات در قالب سه سناریوی تداوم وضع موجود، تغییر وضع موجود و تعدیل وضع موجود صورت گرفته و تأثیرات هر سناریو در چهار حوزه ترافیکی، اجتماعی، محیطی و نهادی بررسی شده است. طبق نتایج، محدوده مورد بررسی در وضعیت فعلی با مسائل ترافیکی، اجتماعی و نهادی دست به گریبان است که در صورت تحقق سناریوی اول در هر چهار حوزه یادشده، تأثیرات منفی غلبه خواهد کرد. تحقق سناریوی دوم در کنار تأثیرات مثبت قابل توجه، به دلیل اتکا به رویکرد تقابلی با سازمان‌های ذینفع، اجرای پروژه را با تأثیرات منفی و هزینه‌های متعددی مواجه خواهد ساخت. اما در صورت تغییر رویکرد یادشده و اتخاذ موضع تعاملی و مبتنی بر مدیریت مشارکتی در اجرای پروژه (سناریوی سوم)، بخش قابل توجهی از تأثیرات منفی یادشده منتفی بوده، بخش زیادی از تأثیرات مثبت سناریوی قبلی نیز به قوت خود باقی خواهد بود. بر همین اساس گروه اتاف، سناریوی سوم را به عنوان سناریوی برگزیده پیشنهاد نموده و در راستای تحقق این سناریو، کاربست پیشنهادی را در قالب سه مقوله نظام بسامد اجرا، نظام کارآمد ارتباطی و نظام هوشمند پایش ارائه نموده است.

**واژه‌های کلیدی:** اراضی کانون ابوذر، مجموعه فرهنگی ورزشی و ارزیابی تأثیرات اجتماعی، منطقه ۱۷ شهرداری تهران.

## بیان مسئله

منطقه ۱۷ تهران نسبت به مناطق دیگر، مساحت کمتری دارد و در عین حال بسیار پرجمعیت است. از آنجایی که این منطقه، سرانه‌های استاندارد مناسبی ندارد، محدودیت‌هایی در اراضی باز وجود دارد؛ توزیع امکانات، زیرساخت‌ها و تسهیلات، برخی از امور ضروری در این منطقه است.

بررسی وضعیت سرانه‌های این محله بیانگر آن است که محله ابوذر غربی برای کاربری آموزشی (صرف‌نظر از آموزش عالی) به ۲/۳۴ هکتار، برای کاربری فضای سبز به ۱/۵۶ هکتار، برای کاربری درمانی - بهداشتی به ۰/۵۲ هکتار، برای کاربری ورزشی به ۰/۲۷ هکتار، برای کاربری مذهبی به ۰/۱۲ هکتار، برای کاربری فرهنگی به ۰/۰۸ هکتار و برای کاربری گردشگری به ۰/۰۵ هکتار نیاز دارد (دفتر نوسازی ناحیه ۱ منطقه ۱۷، ۱۳۹۵).

کانون اراضی ابوذر در زمینی به وسعت ۲۰ هزار مترمربع در ناحیه ۱ منطقه ۱۷ و در محله ابوذر غربی درست در قلب این منطقه واقع شده است. کاربری این مرکز فرهنگی - تربیتی و عملکرد در سطح منطقه‌ای است. مالکیت و سند اراضی این مرکز متعلق به شهرداری است. فعالیت‌های دایر در این مرکز، آموزشی - ورزشی است که از سال‌های گذشته در اختیار آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی قرار داشت. اکنون شهرداری درصد است برای تأمین سرانه‌های فرهنگی و خدماتی منطقه نسبت به احیاء و توسعه فعالیت‌های این مرکز اقدام کند.

هرچند احداث مرکز بزرگ و کامل به جای واحدهای کم‌تراکم و فرسوده کنونی می‌تواند مزایای زیادی برای شهروندان منطقه داشته و مورد استقبال قرار گیرد، خلع ید از سازمان‌های آموزش و پرورش و بهزیستی و احتمال شکل‌گیری مقاومت‌ها و چالش‌های ناشی از آن از یکسو و مشکلات و مزاحمت‌های ناشی از مراحل ساخت و احداث مانند خاک‌برداری، بین‌ریزی و... از سوی دیگر و نیز احتمال شلوغ شدن محله به دلیل مراجعه تعداد کثیری از شهروندان پس از بهره‌برداری، می‌تواند موجبات بروز برخی مشکلات را در این محدوده فراهم آورد. به همین جهت لازم است با انجام مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی (اتاف) نسبت به شناسایی تأثیرات منفی و نیز تقویت مزایا و اثرات مثبت و سازنده این پروژه بزرگ فرهنگی - خدماتی اقدام شود. از این‌رو به دلیل بزرگ‌مقیاس بودن پروژه، منافع مادی و کسب درآمدهای پایدار برای شهرداری منطقه، افزایش رضایت‌مندی شهروندان، توسعه مرکز فعلی، اجرای طرح اتاف برای شهرداری این منطقه، اولویت دارد.

در همین راستا، لزوم توجه به تأثیرات گوناگون و به‌طور خاص تأثیرات اجتماعی و فرهنگی ایجاد و توسعه چنین فضاها و پیش‌بینی درست آن بر اساس واقعیات موجود، به همان اندازه مهم است که ضرورت تسلط رویکرد انسان‌محور بر سیاست‌ها و اقدامات شهری. این همان نگاه سیستمی به شهر و مسائل شهری بوده و بیانگر این است

که شهر فقط یک سیستم کالبدی یا طبیعی نیست، بلکه بستر اصلی زندگی فردی و جمعی انبوه انسان‌ها است و بنابراین مکانی برای تحقق آرمان‌ها، بروز خلاقیت و جستجوی سعادت و رضایت آنان محسوب می‌شود. از این نظر، برنامه‌ریزی می‌باید فراتر از اهداف کالبدی و کارکردی، به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و روانی مردم پاسخ گوید (اشرفی و رشیدی، ۱۳۹۲: ۲۹۶). بر همین اساس، ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی مطرح می‌شود که پیامد نظری و روش شناختی آگاه شدن بر کارکردهای پنهان پروژه‌های توسعه است. به موجب آن، اجرای هر طرح، سیاست یا برنامه توسعه‌ای قبل از اجرا با برخی مناسبات محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درگیر است که تجربه برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد تا زمانی که هماهنگی لازم بین این مناسبات ایجاد نشود، اجرای طرح توسعه‌ای با موفقیت چندانی همراه نبوده و اهداف مورد نظر به طور کامل محقق نخواهد شد (ر.ک: روچ، ۱۳۸۷).

محدوده اجرای طرح در بلوار ابوذر و به طور مشخص در محدوده اراضی معروف به کانون ابوذر تعریف شده است. از کاربری‌های مهم اطراف پروژه می‌توان به مواردی همچون ساختمان مرکز شهرداری، بیمارستان ضیاییان، مسجد ابوذر، حسینیه خرابه شام، کلانتری ۱۴۹ امامزاده حسن، بوستان‌های عاشری و دکتر حسابی، مدارس، دبیرستان‌ها و... اشاره کرد. وجود عناصر یادشده و ارتباط بین آنها، یک چرخه فرهنگی خدماتی را شکل می‌دهد که شهرداری منطقه ۱۷ تهران را مجاب به ایجاد و توسعه یک مرکز فرهنگی خدماتی بزرگ در آن کرده است. اجرای این طرح مستلزم ایجاد تغییراتی در محدوده یادشده اعم از تملک و خلع ید از آموزش و پرورش و...، تخریب و خاک‌برداری ساختمان‌های قدیمی، ساخت و احداث بناها و ساختمان‌های جدید، تجهیز مرکز متناسب با بخش‌های مورد نظر، تأمین نیروی انسانی مورد نیاز در بخش‌های مختلف و اتخاذ تدابیر ترافیکی لازم در مرحله اجرای پروژه است.

اولین و مهمترین خطرپذیری که این پروژه ممکن است با آن مواجه شود، مقاومت‌های احتمالی برخی سازمان‌ها (از جمله آموزش و پرورش و بهزیستی و...) در برابر اجرای طرح است. همانطور که اشاره شد، بین شهرداری و سازمان‌های یادشده، دعوی حقوقی بر سر مالکیت و تصدی‌گری اراضی کانون ابوذر و به طور کلی تمام مراکز فرهنگی ورزشی مشابه در نقاط مختلف تهران در جریان است و اطلاعات به‌دست آمده از مصاحبه‌های مقدماتی با مسئولان فعلی کانون ابوذر نیز به وضوح بیانگر اختلاف‌نظرهایی میان این سازمان‌ها است. با توجه به توضیحات یادشده می‌توان اذعان نمود که یکی از مسائلی که پروژه مورد بررسی در بدو امر با آن مواجه خواهد بود، بحث اقناع ذی‌نفعان یادشده و جلب مشارکت آنها در مراحل اجرا و بهره‌برداری از پروژه است. تجربه نشان می‌دهد که این موضوع یکی از نقاط چالش‌برانگیز در اجرای طرح‌های اینچنینی است و حتی به جرأت می‌توان اذعان نمود که نحوه عمل مجریان پروژه در این حوزه می‌تواند آینده پروژه را تحت تأثیر

قرار دهد و آن را به عنوان یک پروژه موفق یا ناموفق معرفی نماید. تمام مسائل یادشده که احتمالاً در تعامل شهرداری با سازمان‌های ذکرشده بروز می‌کند، احتمال شکل‌گیری جمعیت معترضی را فراهم می‌آورد که حتی اگر به صورت منسجم، یکپارچه و هدفمند به دنبال احقاق حقوق از دست رفته‌شان (به زعم خود) نباشند، اما میانگین ناراضایتی عمومی از پروژه را افزایش می‌دهد.

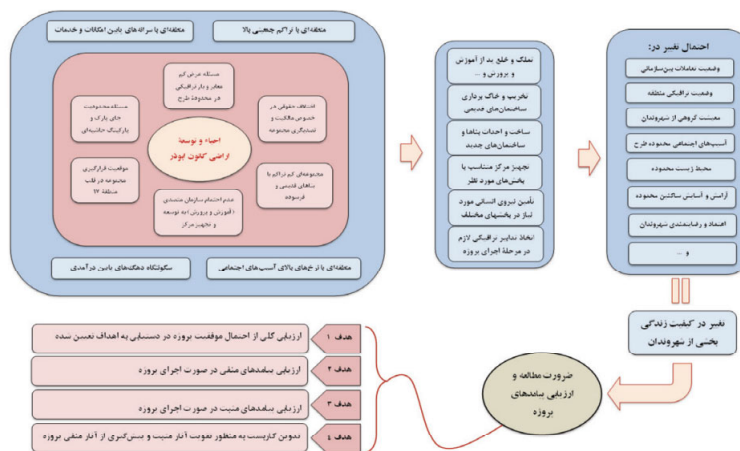
نکته مهم بعدی که در اینجا باید مدنظر قرار گیرد، تغییرات احتمالی در وضعیت شاخصه‌های ترافیکی محدوده در اثر اجرای پروژه است. با اجرای این طرح (به‌ویژه در مرحله اجرا) الگوهای ترافیکی محدوده و خیابان‌های اطراف و موازی آن احتمالاً دچار دگرگونی شده، این دگرگونی برحسب نحوه اجرا و مدیریت پروژه ممکن است به سمت بدتر شدن اوضاع در این محدوده حرکت کند. چنانکه گزینه‌های جایگزینی که احتمالاً قرار است بار ترافیکی احتمالی ایجادشده در اثر اجرای پروژه و محدود شدن فضای حرکت سواره را به دوش بکشند، ممکن است ظرفیت لازم برای تردد حجم زیاد سواره را بنا به دلایل گوناگون نداشته و یا حجم زیاد تردد با بافت غالب این مناطق همخوانی نداشته باشد. این پیش‌فرض، با توجه به اینکه تمام معابر اطراف محدوده مورد بررسی با مسئله حجم بالای تردد در مقاطع پیک ترافیک و ظرفیت سرویس‌دهی محدود مواجه هستند، بسیار تقویت می‌شود. بدیهی است که با اجرای پروژه و افزایش احتمالی مراجعه‌کنندگان به محدوده، مسائل یادشده نیز تشدید خواهد شد. این در حالی است که در وضعیت فعلی نیز مسئله پارک خودرو در این محدوده، یکی از دغدغه‌های ساکنان و کسبه به شمار می‌رود. این تأثیرات در معابر جایگزین و همچنین در خود محدوده، در حین و بعد از اجرای پروژه، قابل تصور است.

بنابراین در مجموع باید اذعان نمود که در صورت استقبال شهروندان و موفقیت پروژه مورد بررسی در بسوار ابودر، آثار مثبت زیادی از جمله افزایش دسترسی شهروندان منطقه به خدمات فرهنگی و ورزشی، بهبود کیفیت گذران اوقات فراغت شهروندان، حرکت به سمت عدالت در توزیع خدمات در سطح شهر، افزایش تعداد استفاده‌کنندگان از مجموعه، کاهش احتمالی در نرخ آسیب‌های اجتماعی محدوده، بهبود منظر شهری محدوده و... برای آن مترتب است. اما این در حالی است که تجربه اقدامات توسعه‌ای در شهرها بیانگر آن است که در همه پروژه‌های انجام‌شده در شهرهای بزرگ، در کنار تمام آثار مثبتی که این پروژه‌ها داشته‌اند، همواره وجود برخی مشکلات، به‌ویژه مشکلاتی که در برقراری ارتباط با سایر سازمان‌ها و نیز مردم و جلب مشارکت ایشان به وجود آمده، پروژه‌های یادشده را چه در مرحله اجرا و چه در مراحل بعد از آن، با چالش‌هایی مواجه ساخته و از سوی دیگر موجبات ناراضایتی بخشی از جمعیت را فراهم آورده است. بر همین اساس در عمده پروژه‌های شهری که شهرداری مسئولیت اجرای آن را بر عهده دارد، نیاز به نوعی فراتر رفتن از معیارهای فنی و شهرسازی و توجه به آثار و تأثیرات محیطی، اجتماعی و فرهنگی پروژه احساس می‌شود. مطالعه حاضر



در راستای همین هدف به انجام خواهد رسید. شکل شماره ۱، نمایی کلی از بستر اجرای پروژه (شامل ویژگی های منطقه ۱۷ تهران و نیز شاخصه های اصلی محدود مورد نظر) را به همراه فرآیند شکل گیری مسئله و ضرورت ارزیابی تأثیرات اجرای پروژه نمایش می دهد.

قابل ذکر است که طرح احیاء و توسعه اراضی کانون ابوذر را در حال حاضر شهرداری منطقه ۱۷ تهران در حد طرح و ایده مطرح کرده است و هنوز اقدامی درباره اجرای این طرح به انجام نرسیده است. همزمان با طرح این ایده، بحث ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی پروژه نیز مطرح شده و بنابراین مطالعه ارزیابی حاضر از نوع اتاف پیش از اجراست که هدف آن به طور خلاصه، ارزیابی کلی از احتمال موفقیت پروژه در دستیابی به اهداف تعیین شده، ارزیابی تأثیرات مثبت و منفی پروژه در قالب سناریوهای احتمالی و در نهایت تدوین کاربست به منظور تقویت آثار مثبت و پیش گیری از آثار منفی پروژه است.



شکل ۱- نمایی کلی از بیان مسئله پژوهش

### پرسش های پژوهش

پرسش اصلی پژوهش این است که: «تأثیرات اجتماعی و فرهنگی توسعه و احیای فعالیت های کانون ابوذر کدامند و چگونه می توان اثرات مثبت را افزایش و اثرات منفی را کاهش داد؟». پاسخ به سؤال یادشده در گرو پاسخ به سؤال های جزئی تری است که در زیر به آنها اشاره شده است.

توسعه و احیای فعالیت های کانون ابوذر، چه تأثیرات ترافیکی در خود محدوده و معابر مجاور آن بر جای خواهد گذاشت؟  
 پروژه یادشده، چه تأثیراتی بر بافت اجتماعی محدوده مورد مطالعه خواهد داشت و

کدام گروه‌ها بیشتر در معرض این تأثیرات خواهند بود؟ آیا توسعه و احیای فعالیت‌های کانون ابوذر، حائز تأثیرات محیط‌زیستی در محدوده اجرای پروژه و پیرامون آن خواهد بود؟ این تأثیرات به چه نحو خواهد بود؟ تأثیرات پروژه بر بافت نهادی محدوده مورد مطالعه به چه صورت خواهد بود؟ و با توجه به برآیند کلی تأثیرات مثبت و منفی پروژه، آیا اجرای آن از منظر یادشده قابل توجیه است؟

ذی‌نفعان پروژه کدام افراد یا گروه‌ها هستند و میزان و کیفیت تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری هر کدام از پروژه یادشده چگونه است؟ شیوه‌های مناسب اقصای ذی‌نفعان و پیشگیری از شکل‌گیری جمعیت معترض کدامند؟ گزینه‌های بدیل پروژه کدامند و با استناد به برآیند تأثیرات در حوزه‌های ترافیکی، اجتماعی، محیط‌زیستی و اقتصادی، کدام گزینه بهترین گزینه محسوب می‌شود؟

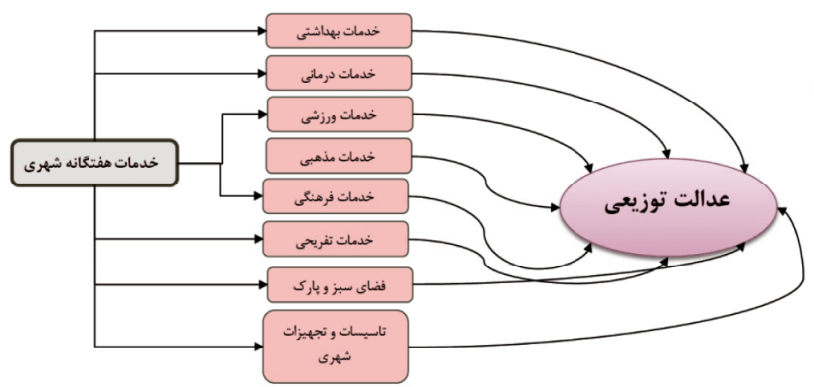
### چارچوب نظری و مفهومی

با توجه به ماهیت پروژه مورد بررسی و هدف اعلام‌شده درباره اجرای آن (تحقق عدالت در توزیع خدمات)، می‌توان مفهوم «عدالت توزیعی» را به عنوان یکی از مفاهیم نظری محوری در این مطالعه قلمداد نمود. عدالت از مفاهیم بسیار اساسی در توسعه پایدار است و توسعه پایدار بدون عدالت امکان تحقق نخواهد یافت. به عبارتی عدالت برای انجام هر عملی که هدف آن، ارتقای سطح کیفی زندگی است، یک پیش‌شرط به شمار می‌آید (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۷). در واقع واژه عدالت، اقسام مختلفی دارد که عدالت فضایی، یکی از مهمترین آنها است. می‌توان گفت که عدالت فضایی در کلیتی فراگیر به رعایت حقوق برابر انسان‌ها یا بازیگران اجتماعی، حفظ و پاسداری از کرامت انسانی آنها، تأمین نیازهای اولیه زندگی و عزت‌نفس اجتماعی، توجه وافی دارد (جوان و عبدالهی، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

واژه عدالت فضایی، محدود به زمان خاص نیست و تا زمانی که از آن استفاده می‌شود کاربرد دارد، به گونه‌ای که امروزه در بین جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان، نوعی گرایش به آن، برای جلوگیری از بی‌عدالتی و جستجو برای عدالت و دموکراسی در جوامع معاصر وجود دارد (ر.ک: Soja, 2009). این مفهوم عمدتاً در ادبیات اخیر مورد توجه قرار گرفته است که سعی در بررسی مفاهیم و عملکردهای عدالت از دیدگاه جغرافیایی دارد و تجزیه و تحلیل‌های جغرافیایی نشان داده است که ساختار فضایی شهر بر پایه مجموعه‌ای از تجارب متنوع، تفسیر شده است (Visser, 2003: 99). بنابراین در عدالت فضایی، جنبه‌های فضایی که بر موقعیت عدالت تأثیر می‌گذارند، موضوع اصلی بحث هستند (Hellegers, 2011: 33). عدالت فضایی یک نقطه ثقل در زمینه برنامه‌ریزی تأسیسات شهری و یکی از شاخه‌های عدالت اجتماعی است. دیوید هاروی، یکی از شخصیت‌های شناخته‌شده در این زمینه می‌گوید که عدالت اجتماعی به یک

مفهوم اصلی اشاره دارد که باید از طریق روش‌های تجزیه و تحلیل جغرافیایی صورت پذیرد (Ebrahimabadi, 2008: 19).

بر همین اساس، عدالت شهری یک مفهوم اخلاقی و سیاسی است که شامل توزیع نابرابر درآمد و ثروت، جداسازی فضایی مسکن، تخصیص نابرابر کالاها و خدمات عمومی و حقوق مدنی نابرابر در میان طبقات، نژاد، قومیت و جنسیت در چهارچوب جوامع، شهرها و نواحی شهری است (Fujita, 2009: 377). همچنین شناسایی و ابعاد عدالت فضایی در جهت تحقق عدالت اجتماعی در مطالعات شهری از موضوعات اساسی و مباحث این مطالعات است که در چند سال گذشته از مباحث اصلی نظریه‌پردازان مسائل شهری در غرب بوده است. همچنین برای ارزشیابی توزیع موجود فضا و در مواردی اتخاذ سیاست‌هایی در زمینه بهبود این توزیع می‌توان این نظریه را به کار گرفت و عدالت فضایی را می‌توان با مقایسه تخصیص فعلی یا تخصیص فرضی آن سنجید. با این روش تشخیص مناطقی که از استانداردها بیشترین فاصله را دارند، میسر شده است. اینکه چطور خدمات هفتگانه شهری باعث ایجاد عدالت توزیعی خواهند شد، در مدل مفهومی زیر نشان داده شده است.



شکل ۲- مدل مفهومی عدالت توزیعی شهری

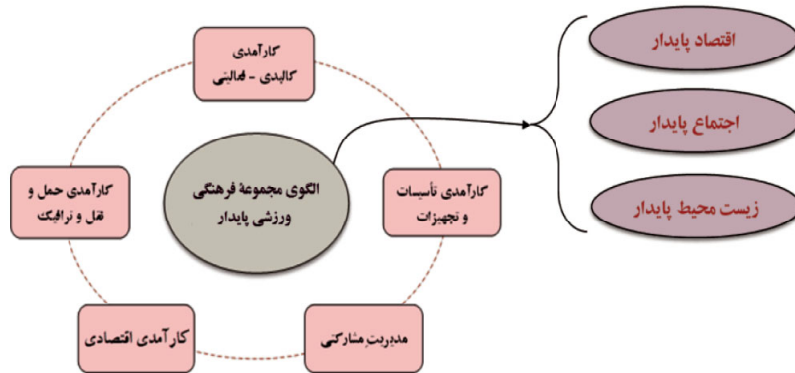
امروزه موضوع عدالت اجتماعی و فضایی در مباحث شهری و به تبع آن عدالت توزیعی در پراکنش خدمات در فضای شهری اهمیت بسزایی یافته است. از این‌رو توجه به اهمیت توزیع کاربری خدمات در نواحی شهری بر اساس نیاز به خدمات، عامل مهمی در پایداری زندگی شهری است.

بر همین اساس می‌توان اذعان نمود که چارچوب نظری پژوهش حاضر بر مفهوم توسعه پایدار شهری متکی است. از دیدگاه کمیسیون برانلند، توسعه پایدار، توسعه‌ای است که بتواند نیازهای نسل حاضر را بدون تخریب و یا آسیب رساندن به تأمین

نیازها و خواسته‌های نسل‌های آینده فراهم نماید (شرزه‌ای و ماجد، ۱۳۹۰: ۳۰۲). یک اجتماع شهری در کنار محیط‌زیست پایدار شهری، مستلزم اقتصاد پایدار شهری، زندگی پایدار شهری و سایر ابعاد پایداری است که در مجموع از آن به عنوان برابری درون‌نسلی و اصل عدالت اجتماعی و برابری برون‌نسلی و اصل نسل آینده یاد می‌کنند (محمدی سنگلی و قرشی، ۱۳۹۵: ۸۹). همچنین در برنامه‌ریزی از دیدگاه توسعه پایدار برای شهر، ناگزیر باید فضاهای فرهنگی ورزشی نیز به گونه‌ای طراحی شود که با ملاک‌های توسعه پایدار هماهنگ باشد (حاتمی‌نژاد و اشرفی، ۱۳۸۸: ۴۶). راهبرد فرهنگی پایدار، دستورالعملی چندبعدی، یکپارچه، پویا و پیوسته است که تضمین‌کننده توزیع عادلانه امکانات و احتیاجات در زمان‌ها و مکان‌های مختلف با در نظرگیری عوامل متغیر و مؤثر در مجموعه شهری است (بختیاری، ۱۳۸۸: ۸۳). یکی دیگر از اصلی‌ترین مباحث توسعه پایدار، بحث چگونگی گذران اوقات فراغت به طور صحیح و در بستر و فضای مناسب و با در نظر گرفتن توزیع موقعیت‌های رفاهی در نسل کنونی و رعایت عدالت و حفظ امکانات برای نسل آینده است (کریمی و شوهانی، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

توسعه پایدار، یکی از بهترین رویکردها برای بررسی‌های تأثیرات اجتماعی و فرهنگی است؛ زیرا به صورت هم‌زمان می‌تواند همه ابعاد تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و نهادی پروژه‌های عمران شهری را بررسی کند. بنابراین ارزیابی تأثیرات اجتماعی باعث توسعه و توانمند شدن اجتماع خواهد شد. دغدغه اصلی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، اتخاذ موضع شناسایی و بهبود نتایج منفی یا فعال در برابر توسعه و نتایج توسعه است، نه صرفاً ناخواسته. کمک کردن به اجتماعات و دیگر سهامداران در امر شناسایی اهداف توسعه و اطمینان یافتن از به حداکثر رسیدن نتایج مثبت می‌تواند مهمتر از کاستن خسارت‌های ناشی از تأثیرات منفی باشد (سرور و امینی، ۱۳۹۲: ۲۱). هدف ارزیابی تأثیرات اجتماعی، قبول این امر است که تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و بوم‌شناختی به گونه‌ای ذاتی و جدایی‌ناپذیر به همدیگر مرتبط است و تغییر در هر حوزه‌ای، منجر به تغییر در سایر حوزه‌ها است. بنابراین ارزیابی تأثیرات اجتماعی باید این برداشت از سازوکارهای تأثیرات را بسط دهد که هنگام ایجاد این مکانیسم‌ها، تغییر در یک حوزه، باعث تأثیرات در دیگر حوزه‌ها می‌شود (سرور و امینی، ۱۳۹۲: ۲۱).

بر اساس این رهیافت، توسعه و احیای کانون ابوذر در منطقه ۱۷ تهران با ارتقای زیرساخت‌های منطقه و با دگرگونی شیوه‌های گذران اوقات فراغت و ایجاد زمینه‌های مناسب برای روابط اجتماعی و ایجاد رضایت شهروندی، میزان مشارکت اجتماعی آنها در فضاهای عمومی را افزایش داده، به تقویت همبستگی اجتماعی و به تبع آن بهبود سلامت اجتماعی و کیفیت زندگی آنها منجر می‌شود.



شکل ۳- الگوی نظری پژوهش

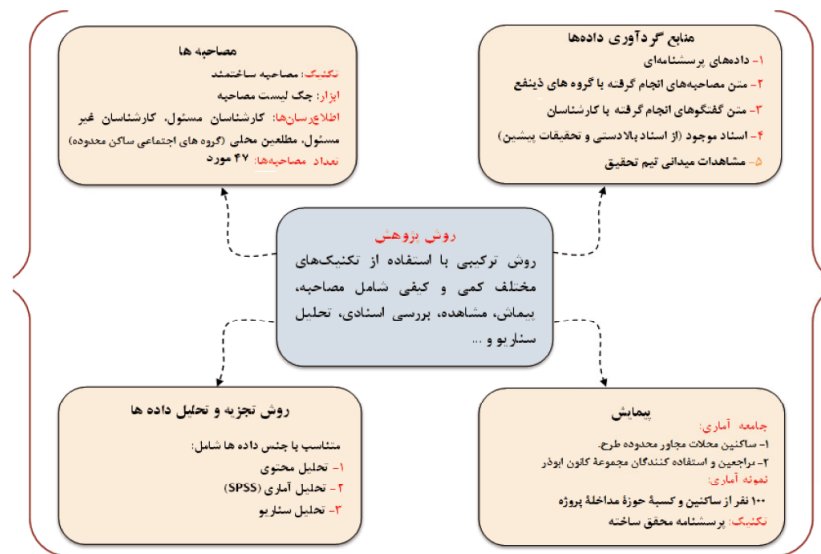
شکل شماره ۳ الگوی نظری پژوهش - نشان می‌دهد که یک مجموعه فرهنگی ورزشی پایدار بر اساس میزان برخورداری از پنج شاخص کلی شامل کارآمدی حمل و نقل، کارآمدی کالبدی - فعالیتی، کارآمدی تجهیزات و تأسیسات، کارآمدی اقتصادی و مدیریت مشارکتی قابل ارزیابی است. این مقوله‌ها در واقع ورودی‌های سیستم محسوب می‌شوند و خروجی‌های سیستم در سه مقوله اقتصاد پایدار، اجتماع پایدار و محیط‌زیست پایدار قابل ردیابی خواهد بود. به عبارت بهتر، آثار و نتایج یک مجموعه فرهنگی ورزشی موفق را در سه مفهوم یادشده می‌توان جستجو کرد. این مدل، ابزاری برای گروه پژوهش فراهم می‌سازد که با استفاده از آن می‌توان هم میزان موفقیت پروژه مورد بررسی را ارزیابی کرد و هم آثار و تأثیرات ناشی از آن را مورد سنجش قرار داد.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر با در نظر گرفتن دو مقوله، شامل شاخص‌های مورد سنجش و ترکیب جامعه هدف، انتخاب شده است. بر این اساس در این پژوهش از ترکیب روش‌های کمی و کیفی استفاده شده و اطلاعات میدانی لازم برای ارزیابی پروژه از چند منبع اصلی شامل مشاهدات میدانی گروه تحقیق، داده‌های پیمایشی، مصاحبه‌ها و آرای کارشناسی گردآوری شده است.

به عبارت بهتر، در این پژوهش، متناسب با نوع متغیرهایی که باید مورد سنجش قرار گیرند، به اطلاعات گروه‌های مختلفی نیاز بود که برای گردآوری اطلاعات از این گروه‌ها باید از ابزار متناسب استفاده شود. برای این منظور، متغیرهای مورد بررسی یا به عبارتی تأثیرات احتمالی پروژه را برحسب شیوه‌ای که برای گردآوری اطلاعات آن به کار گرفته می‌شود، به سه دسته تقسیم کرده‌ایم: دسته اول، متغیرهایی را شامل می‌شود که گردآوری اطلاعات مرتبط به آنها از طریق تکمیل پرسشنامه در بین

برخی گروه‌های ذینفع امکان‌پذیر است؛ دسته دوم، متغیرهایی هستند که سنجش آنها مستلزم انجام مصاحبه با برخی از ذی‌نفعان است؛ و بالاخره دسته سوم شامل متغیرهایی است که در بررسی آنها لازم است از نگاه تخصصی کارشناسان مربوطه استفاده شود. البته لازم به ذکر است که نتایج مشاهدات میدانی گروه پژوهش به عنوان وجه مکمل در بررسی تمام متغیرها به کار گرفته شده است.



شکل ۴- مختصات روشی پژوهش

## ارزیابی تأثیرات پروژه

در این بخش با استناد به داده‌ها و اطلاعات گردآوری‌شده به ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی پروژه احیاء و توسعه اراضی کانون ابوذر در محدوده خیابان ابوذر پرداخته شده است. به عبارت بهتر در اینجا قصد این است که به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که پروژه احیاء و توسعه اراضی کانون ابوذر و اقداماتی که قرار است در راستای این امر از طرف شهرداری منطقه ۱۷ به مرحله اجرا درآید، در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی، چه تأثیراتی را بر افراد و گروه‌های مرتبط با این پروژه بر جای خواهد گذاشت. برای این منظور در بخش حاضر با تکیه بر چهار منبع اطلاعاتی شامل یافته‌های پیمایشی، تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌گرفته با گروه‌های مختلف ذینفع، نتایج جلسات گروهی با ذی‌نفعان سازمانی و نیز یافته‌های حاصل از مطالعه تطبیقی، به پیش‌بینی تأثیرات اقدام یادشده پرداخته شده است. نکته قابل توجه در سازمان‌بندی بخش حاضر این است که در این بخش، ارزیابی



تأثیرات پروژه احیا و توسعه اراضی کانون ابوذر در قالب سناریوهای مختلف انجام شده است. از همین رو بررسی مناسبات سازمانی و حقوقی این مجموعه و نیز محیط کالبدی - فضایی و اجتماعی محدوده اجرای طرح و محیط پیرامون آن، مسائلی را در حوزه‌های مختلف مطرح می‌سازد که با در نظر گرفتن آن سه سناریوی متفاوت برای این محدود می‌توان مطرح نمود. این سناریوها عبارتند از سناریوی تداوم وضع موجود، سناریوی تعدیل وضع موجود و سناریوی تغییر وضع موجود.

**الف) سناریوی تداوم وضع موجود:** همان‌طور که اشاره شد، موضوع اراضی کانون ابوذر فعلاً در مرحله ایده‌پردازی است و بررسی جوانب مختلف آن در دستور کار سازمان شهرداری قرار دارد.

بنابراین بدیهی است که یکی از گزینه‌های احتمالی در این باره، گزینه No Act یا همان تداوم وضعیت فعلی در محدوده یادشده است. در این سناریو، بر سیر طبیعی تحولات محدوده مورد بررسی تأکید می‌شود و هرگونه مداخله و دستکاری در روند فعلی به دلایلی همچون احتمال شکل‌گیری جمعیت‌های معترض، برهم خوردن نظم موجود، هزینه‌های هنگفت هرگونه تغییر تأثیرگذار در محدوده، سلب آرامش اجتماعات محلی و... نقی می‌شود و بر یک رویکرد انفعالی مبتنی بر حفظ وضع موجود تأکید می‌شود.

**ب) سناریوی تغییر وضع موجود:** این سناریو بر اتخاذ نوعی رویکرد تقابلی میان شهرداری و آموزش و پرورش در زمینه توسعه و بهره‌برداری از اراضی کانون ابوذر متکی است و در آن بر ایجاد تغییرات اساسی در اراضی کانون ابوذر تأکید می‌شود. این تغییرات به طور خلاصه در سه مقوله قابل دسته‌بندی است: تغییر در بحث مالکیت مجموعه، تغییرات زیربنایی در بعد کالبدی و فضایی مجموعه و در نهایت تغییر در تصدی‌گری سازمانی مجموعه. به عبارت بهتر این سناریو به حالتی اشاره دارد که در آن سازمان شهرداری با استناد به اسناد و مدارک حقوقی موجود موجبات خلع ید سایر سازمان‌ها از اراضی کانون ابوذر را فراهم آورده، با در اختیار گرفتن کامل این مجموعه، اقدام به تخریب بناهای قدیمی و احداث یک مرکز فرهنگی خدماتی بزرگ و کامل به جای واحدهای کم‌تراکم و اغلب فرسوده فعلی نماید.

**ج) سناریوی تعدیل وضع موجود:** این سناریو بر شکل‌گیری یک رویکرد تعاملی و مشارکتی میان سازمان شهرداری و آموزش و پرورش در زمینه توسعه و بهره‌برداری از اراضی کانون ابوذر متکی است. بنمایه اصلی این سناریو بر این ایده استوار است که روند فعلی مجموعه کانون ابوذر، چه از منظر تصدی‌گری سازمانی و چه از منظر تحقق اهداف آموزشی و فرهنگی و ورزشی، هرچند روند مثبتی است، این مجموعه از نظر زیرساخت‌ها و فضاها و سایر امکانات با نواقص و مشکلاتی مواجه است که این چالش‌ها می‌تواند با ورود سازمان شهرداری در بحث توسعه فضاها و زیرساخت‌ها و نیز بهره‌برداری مشارکتی از آن مرتفع شده و تعدیل گردد.



شکل ۵- پیش‌بینی تأثیرات پروژه در صورت تحقق سناریوی اول (تداوم وضع موجود)

سناریوی دوم، همان‌طور که اشاره شد، بر ایجاد تغییرات اساسی در بحث مالکیت، ابعاد کالبدی و فضایی و تصدی‌گری سازمانی اراضی کانون ابوذر متکی است. بدیهی است که تحقق چنین سناریویی می‌تواند تأثیرات متفاوتی را در مقایسه با سناریوی اول در حوزه‌های مختلف بر جای گذارد.

ماهیت اثر	تأثیرات	حوزه‌های تأثیر
?	احتمال افزایش ترافیک محدوده در اثر استقبال بیشتر از مجموعه	حوزه ترافیکی
?	تغییر در وضعیت پارکینگ و پارک حاشیه‌ای محدوده	
?	تغییر در وضعیت تداخل حرکت سواره و پیاده	
+	دسترسی آسان به مجموعه از طریق ناوگان حمل‌ونقل عمومی	
+	امکان استفاده بهینه از فضا و جلوگیری از اتلاف منابع	حوزه محیطی
+	افزایش سرانه‌های آموزشی و ورزشی در محله و رضایتمندی خانواده‌ها	
+	کاهش آسیب‌پذیری مجموعه در برابر زلزله	
+	تغییر در جدارۀ بیرونی مجموعه و بهبود منظر شهری محدوده	
+	بهبود وضعیت محدوده از منظر تقویت حیات شبانه	حوزه اجتماعی
+	تقویت احساس تعلق محله‌ای در محدوده طرح	
+	احتمال نقش‌آفرینی مجموعه در کاهش آسیب‌های اجتماعی	
-	تهدید معیشت بازنشستگان آموزش و پرورش شاغل در مجموعه	
-	شکل‌گیری رویکرد تقابلی در مواجهه با سایر سازمان‌های ذی‌نفع	حوزه نهادی
-	هزینه‌های ناشی از احتمال شکل‌گیری مقاومت‌ها، مخالفت‌ها و سنگ‌اندازی‌ها	
-	اختلال در تعاملات و مشارکت‌های بین‌سازمانی در سطوح مختلف	
-	شکل‌گیری نارضایتی در خانواده‌ها در اثر تغییر کادر و فضای فعلی مجموعه	
-	احتمال شکل‌گیری جمعیت معترض به عنوان مانعی بر سر راه موفقیت پروژه	

شکل ۶- پیش‌بینی تأثیرات پروژه در صورت تحقق سناریوی دوم (تغییر وضع موجود)

تأثیرات سناریوی سوم (تعدیل وضع موجود) نیز در حوزه‌های مختلف ترافیکی، محیطی، اجتماعی و نهادی، با اتکا به ابزار مختلف کمی و کیفی اعم از داده‌های پیمایش، مصاحبه‌ها، مشاهدات میدانی و نیز بهره‌گیری از آرای کارشناسان در معرض ارزیابی قرار گرفته و نتایج به طور خلاصه در شکل زیر نمایش داده شده است.

ماهیت اثر	تأثیرات	حوزه‌های تأثیر
?	احتمال افزایش ترافیک محدوده در اثر استقبال بیشتر از مجموعه	حوزه ترافیکی
?	تغییر در وضعیت پارکینگ و پارک حاشیه‌ای محدوده	
?	تغییر در وضعیت تداخل حرکت سواره و پیاده	
+	دسترسی آسان به مجموعه از طریق ناوگان حمل‌ونقل عمومی	
+	امکان استفاده بهینه از فضا و جلوگیری از اتلاف منابع	حوزه محیطی
+	افزایش سرانه‌های آموزشی و ورزشی در محله و رضایتمندی خانواده‌ها	
+	کاهش آسیب‌پذیری مجموعه در برابر زلزله	
+	تغییر در جداری بیرونی مجموعه و بهبود منظر شهری محدوده	
+	بهبود وضعیت محدوده از منظر تقویت حیات شبانه	حوزه اجتماعی
+	تقویت احساس تعلق محله‌ای در محدوده طرح	
+	احتمال نقش آفرینی مجموعه در کاهش آسیب‌های اجتماعی	
+	رضایتمندی بازنشستگان آموزش و پرورش شاغل در مجموعه	
+	شکل‌گیری رویکرد تعاملی در مواجهه با سایر سازمان‌های ذی‌نفع	حوزه نهادی
+	کاهش هزینه‌های ناشی از مقاومت‌ها، مخالفت‌ها و سنگ‌اندازی‌های احتمالی	
+	تقویت تعاملات و مشارکت‌های بین‌سازمانی در سطوح مختلف	
?	رضایتمندی خانواده‌ها در اثر ابقای کادر آموزشی و فضای فعلی مجموعه	
+	کاهش احتمال شکل‌گیری جمعیت معترض و افزایش احتمال موفقیت پروژه	

شکل ۷- پیش‌بینی تأثیرات پروژه در صورت تحقق سناریوی سوم (تعدیل وضع موجود)

بنابراین در مجموع می‌توان اذعان نمود که طبق نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه حاضر، وضعیتی که در حال حاضر بر اراضی کانون ابودر و به‌طور کلی محدوده مداخله پروژه مورد بررسی حاکم است، وضعیت بسیار نامطلوبی است. بر همین اساس، ارزیابی تأثیرات تحقق سناریوی اول نیز نشان می‌دهد که تداوم وضع موجود درباره اراضی کانون ابودر، تأثیرات منفی قابل توجهی را در حوزه‌های مختلف ترافیکی (از جمله کمبود شدید پارکینگ و مسئله پارک حاشیه‌ای، تداخل سواره و پیاده و کاهش ایمنی پیاده، عرض کم معابر، کندی حرکت و سنگینی ترافیک)، اجتماعی (از جمله وفور آسیب‌های اجتماعی و احساس ناامنی در محدوده، عدم برخورداری محدوده از حیات شبانه و ضعف احساس تعلق محله‌ای در محدوده طرح)، نهادی (از جمله نارضایتی خانواده‌ها از فرسودگی و آسیب‌پذیری بالای بافت و نارضایتی از محدودیت فضاها و امکانات فعلی مجموعه) و محیطی (کمبود سرانه‌های آموزشی و ورزشی در محله، از

جمله استفاده نکردن بهینه از فضا، فرسودگی بافت مجموعه و آسیب پذیری در مقابل حوادث طبیعی، فقدان جداره شهری مطلوب و اخلال در منظر شهری) به محدوده مورد مطالعه و به طور کلی منطقه تمهیل می‌کند که مهمترین نتیجه انباشتی این وضعیت را در مقوله «اتلاف منابع» می‌توان خلاصه نمود. به عبارت بهتر، نتایج نشان می‌دهد در منطقه‌ای که شدیداً با کمبود سرانه‌های مختلف و به‌ویژه سرانه‌های آموزشی و ورزشی مواجه است، استفاده نکردن بهینه از اراضی ۲۰ هزار متری کانون ابوذر در قلب این منطقه با هیچ استدلالی قابل توجیه نیست و همه این نتایج به وضوح ضرورت ایجاد تغییرات در این مجموعه را نشان می‌دهد. تغییراتی که در صورت اجرا می‌تواند بخش قابل توجهی از کمبودهای یادشده و به تعبیری نیازهای اساسی ساکنان منطقه را پوشش دهد.

اما در باره چگونگی ایجاد این تغییرات نیز همانطور که اشاره شد، دورویکرد متفاوت در میان ذی‌نفعان اصلی پروژه قابل ردیابی است. رویکرد اول که طرفداران زیادی نیز در مدیریت شهری منطقه دارد، بر تغییرات اساسی و بنیادی مالکیتی، مدیریتی و اجرایی و کالبدی در اراضی کانون ابوذر تأکید دارد که عملی شدن آن به طور طبیعی با شکل‌گیری نوعی رویکرد تقابلی بین ذی‌نفعان سازمانی، از جمله شهرداری و آموزش و پرورش همراه خواهد بود. نتایج مطالعه حاضر بیانگر آن است که تحقق این سناریو در کنار تأثیرات مثبت قابل توجهی که بر آن مترتب است و از آن جمله می‌توان به دسترسی آسان به مجموعه از طریق ناوگان حمل‌ونقل عمومی، امکان استفاده بهینه از فضا و جلوگیری از اتلاف منابع افزایش سرانه‌های آموزشی و ورزشی در محله و رضایت‌مندی خانواده‌ها، کاهش آسیب‌پذیری مجموعه در برابر زلزله، تغییر در جداره بیرونی مجموعه و بهبود منظر شهری محدوده، بهبود وضعیت محدوده از منظر تقویت حیات شبانه، تقویت احساس تعلق محله‌ای در محدوده طرح و احتمال نقش‌آفرینی مجموعه در کاهش آسیب‌های اجتماعی اشاره نمود، همچنان با تهدیدها و تأثیرات منفی جدی از جمله شکل‌گیری رویکرد تقابلی در مواجهه با سایر سازمان‌های ذی‌نفع، افزایش هزینه‌های ناشی از احتمال شکل‌گیری مقاومت‌ها، مخالفت‌ها و مانع‌تراشی‌ها، اختلال در تعاملات و مشارکت‌های بین‌سازمانی در سطوح مختلف، شکل‌گیری نارضایتی در خانواده‌ها در اثر تغییر کادر و فضای فعلی مجموعه، تهدید معیشت بازنشستگان آموزش و پرورش شاغل در مجموعه و احتمال شکل‌گیری جمعیت معترض به عنوان مانعی بر سر راه موفقیت پروژه نیز دست به گریبان خواهد بود. ماهیت تأثیرات منفی پیش‌بینی شده در این سناریو به نحوی است که می‌تواند توازن تأثیرات را بر هم زده، بر کلیت پروژه سایه افکند. به عبارت بهتر، آثار منفی شده ممکن است اجرای پروژه (در قالب سناریوی دوم) را با هزینه‌های مادی و غیر مادی بسیاری درگیر کند که در نهایت تمام گروه‌های ذینفع را دچار ضرر و زیان کند.

اما همانطور که اشاره شد، تغییرات مورد نظر در اراضی کانون ابوذر به شکل متفاوتی نیز قابل اجراست که این گزینه نیز با عنوان تعدیل وضع موجود در قالب سناریوی سوم ارزیابی شده است. طبق نتایج به دست آمده از بررسی آثار پروژه در سناریوی قبلی، بخش قابل توجهی از تأثیرات منفی پیش بینی شده پروژه در سناریوی دوم، به ویژه در حوزه نهادی، ریشه در رویکرد تقابلی سازمان شهرداری در قبال سایر سازمان‌ها می‌دارد که تاکنون عهده‌دار اداره و تصدی‌گری اراضی کانون ابوذر بوده‌اند. بدیهی است که در صورت تغییر رویکرد یادشده و اتخاذ موضع تعاملی و مبتنی بر مدیریت مشارکتی در اراضی کانون ابوذر، بخش زیادی از تأثیرات منفی یادشده از جمله «تهدید معیشت بازنشستگان آموزش و پرورش شاغل در مجموعه»، «شکل‌گیری نارضایتی در خانواده‌ها در اثر تغییر کادر و فضای فعلی مجموعه»، «شکل‌گیری رویکرد تقابلی در مواجهه با سایر سازمان‌های ذینفع»، «اختلال در تعاملات و مشارکت‌های بین‌سازمانی در سطوح مختلف»، «هزینه‌های ناشی از احتمال شکل‌گیری مقاومت‌ها، مخالفت‌ها و مانع‌تراشی‌ها» و «احتمال شکل‌گیری جمعیت معترض به عنوان مانعی بر سر راه موفقیت پروژه» منتفی خواهد بود. ضمن اینکه بخش زیادی از تأثیرات مثبت سناریوی قبلی، از جمله «دسترسی آسان به مجموعه از طریق ناوگان حمل و نقل عمومی»، «امکان استفاده بهینه از فضا و جلوگیری از اتلاف منابع»، «افزایش سرانه‌های آموزشی و ورزشی در محله و رضایت‌مندی خانواده‌ها»، «کاهش آسیب‌پذیری مجموعه در برابر زلزله»، «تغییر در جداره بیرونی مجموعه و بهبود منظر شهری محدوده»، «بهبود وضعیت محدوده از منظر تقویت حیات شبانه»، «تقویت احساس تعلق محله‌ای در محدوده طرح» و «احتمال نقش‌آفرینی مجموعه در کاهش آسیب‌های اجتماعی»، با توجه به ماهیت مشابه این دو سناریو، کماکان به قوت خود باقی خواهد بود. پیش‌بینی تأثیرات در قالب سناریوی سوم در شکل شماره (۸) نمایش داده شده است. حال پس از بررسی تأثیرات پروژه در قالب سناریوهای سه‌گانه لازم است نتایج این بررسی‌ها در یک قاب در کنار هم قرار گیرد و از طریق مقایسه و بررسی موازنه تأثیرات مثبت و منفی تأثیرات پیش‌بینی شده در قالب هر سناریو، سناریوی برتر انتخاب شود. هر چند توضیحات ارائه‌شده در قالب ارزیابی تأثیرات سناریوها تا حد زیادی نتیجه این مقایسه را مشخص کرده است، برای مقایسه دقیق‌تر سعی کرده‌ایم تا به کمی‌سازی نتایج نیز بپردازیم. برای این منظور ابتدا به هر کدام از تأثیرات پیش‌بینی شده بر اساس برد یا سطح تأثیرات، وزنی (۱) اختصاص یافته و سپس با تجمیع نمره‌های به دست آمده، نمره نهایی هر سناریو مشخص شده است. طبق نتایج این بررسی، سناریوی سوم (تعدیل وضع موجود) با کسب امتیاز ۱۷+ به عنوان سناریوی برتر شناخته شده و سناریوهای دوم و اول به ترتیب با کسب امتیاز ۲- و ۱۱- در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.



وزن اثر	بیمارها یا فرسایش ناشی از سناریوی سوم	وزن اثر	بیمارها یا فرسایش ناشی از سناریوی دوم	وزن اثر	بیمارها یا فرسایش ناشی از سناریوی اول
0	احتمال افزایش ترافیک در محور جاده در اثر احداث پلستر از مجموعه	0	احتمال افزایش ترافیک در محور جاده در اثر احداث پلستر از مجموعه	-2	کمبود پلستر برکتک و سیمان سیمان برکتک
0	تأثیر بر وضعیت بارکنش و بارک حساسی محدود	0	تأثیر بر وضعیت بارکنش و بارک حساسی محدود	-3	فرسایش کف معبر کشش حرکت و ترافیک سنگین
0	تأثیر بر وضعیت تداخل حرکت سواره و پیاده	0	تأثیر بر وضعیت تداخل حرکت سواره و پیاده	-2	تداخل سواره و پیاده گذشتن آسانی پیاده
+2	تسریس آسان به مجموعه از طریق تونل حمل و نقل عمومی	+2	تسریس آسان به مجموعه از طریق تونل حمل و نقل عمومی	+2	تسریس مناسب از طریق تونل حمل و نقل عمومی
+1	امکان استفاده پیاده از فضای و جلوگیری از اتلاف منابع	+1	امکان استفاده پیاده از فضای و جلوگیری از اتلاف منابع	-1	عدم استفاده پیاده از فضای و اتلاف منابع در مجموعه فعلی
+1	افزایش سرانه فضای آسفالته و ورزشی در محله و رفاهیتند مجموعهها	+1	افزایش سرانه فضای آسفالته و ورزشی در محله و رفاهیتند مجموعهها	-1	کمبود سرانه فضای آسفالته و ورزشی در محله
+1	گذشتن آسپهتاری مجموعه در برابر روزنه	+1	گذشتن آسپهتاری مجموعه در برابر روزنه	-1	فرودگاهی بکافت مجموعه و آسپهتاری در خیابان دولت شمس
+1	عبور ترافیک از پیرونی مجموعه و پیرونی معابر شهری مجموعه	+1	عبور ترافیک از پیرونی مجموعه و پیرونی معابر شهری مجموعه	-1	عدم عبور ترافیک از پیرونی مجموعه و معابر شهری
+1	بهبود وضعیت مجموعه از منظر خوبت حریم سیمانه	+1	بهبود وضعیت مجموعه از منظر خوبت حریم سیمانه	-2	دکور آسپهتاری اصطناعی و آسپهتاری بلندی
+1	توانم آسپهتاری منظمی در مجموعه طرح	+1	توانم آسپهتاری منظمی در مجموعه طرح	-1	عدم برآوردن توانم مجموعه در محله سیمانه
+1	احتمال فرسایش مجموعه در گذشتن آسپهتاری اصطناعی	-1	احتمال فرسایش مجموعه در گذشتن آسپهتاری اصطناعی	+1	عدم توانم فرسایش مجموعه در محله
+1	رفاهیتند و آسپهتاری آسپهتاری و بررسی منظمی در مجموعه	-2	رفاهیتند و آسپهتاری آسپهتاری و بررسی منظمی در مجموعه	-1	عدم آسپهتاری منظمی در مجموعه طرح
+2	تنگناهای روزگرم منظمی در مواجهه با سازه سازههای بلند	-1	تنگناهای روزگرم منظمی در مواجهه با سازه سازههای بلند	+1	رفاهیتند مجموعهها از منظر مناسب کارهای با مصالح
+1	گذشتن فرسایش ناشی از عواملها، علاقهها و سنگینارهای	-3	فرسایش ناشی از عواملها، علاقهها و سنگینارهای	+1	رفاهیتند مجموعهها از فضای سبز و مجموعهها
+3	خوبت حریمات و سازههای سازههای منظمی در مجموعهها	-2	احتمال در حریمات و سازههای سازههای منظمی در مجموعهها	-1	توانم مجموعهها از فضای سبز و مجموعهها
0	رفاهیتند مجموعهها در اثر کمترین آسپهتاری و فضای منظمی مجموعه	-2	تنگناهای روزگرم منظمی در مواجهه با سازه سازههای بلند	-1	توانم مجموعهها از فضای سبز و مجموعهها
+1	گذشتن آسپهتاری منظمی در مجموعهها و آسپهتاری منظمی	-2	احتمال فرسایش مجموعه در گذشتن آسپهتاری اصطناعی	+1	عدم توانم فرسایش مجموعه در محله

نوعاً اتمام سناریوی سوم و وضع موجود -1

نوعاً اتمام سناریوی دوم و وضع موجود -2

نوعاً اتمام سناریوی اول و وضع موجود -3

شکل ۸ - اولویت بندی سناریوهای سه گانه و انتخاب سناریوی برتر بر اساس توازن تأثیرات مثبت و منفی

### جمع بندی نتایج و تدوین کاربست اتمام

در این مطالعه سعی شد تا در قالب سه سناریوی متفاوت، برآوردی از تأثیرات مثبت و منفی و نقاط ضعف و قوت پروژه احیا و توسعه اراضی کانون ابوذر در منطقه ۱۷ تهران، با استناد به نتایج حاصل از بررسی های کمی و کیفی از جمله پیمایش، تحلیل محتوای مصاحبه ها و مشاهده های میدانی و نیز بهره گیری از آرای کارشناسان و اسناد و منابع مربوط به موضوع ارائه گردد. نتایج این بررسی ها نشان می دهد که اگر در اجرای پروژه یادشده، توازن آثار و تأثیرات مثبت و منفی اقدام مدنظر باشد، تحقق آن مستلزم اتخاذ یک رویکرد تعاملی به ویژه در بحث ارتباط با سازمان های مختلف ذینفع است.

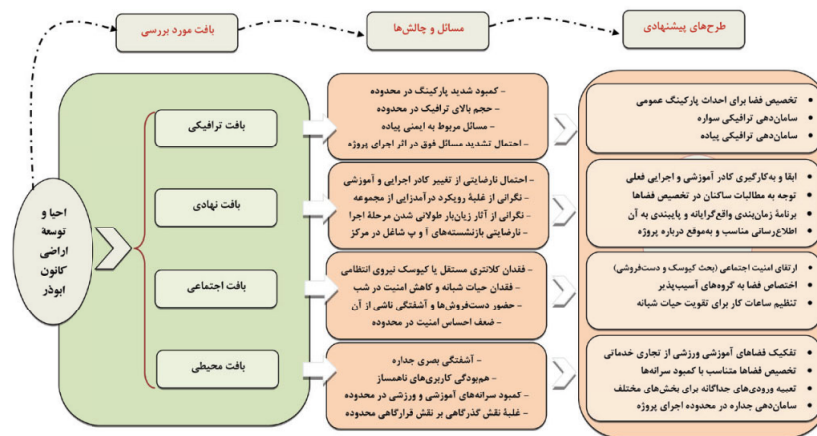
نتایج به دست آمده از ارزیابی تأثیرات تحقق سناریوی اول نشان داد که تداوم وضع موجود درباره اراضی کانون ابوذر، تأثیرات منفی قابل توجهی را در حوزه های مختلف ترافیکی، اجتماعی، محیطی و نهادی به محدوده مورد مطالعه و به طور کلی منطقه تحمیل می کند که مهمترین نتیجه انباشتی این وضعیت را در مقوله «اتلاف منابع» می توان خلاصه نمود. به عبارت بهتر نتایج نشان می دهد که در منطقه ای که شدیداً با کمبود سرانه های مختلف و به ویژه سرانه های آموزشی و ورزشی مواجه است، استفاده نکردن بهینه از اراضی ۲۰ هزار متری کانون ابوذر در قلب این منطقه با هیچ استدلالی قابل توجیه نیست و همه این نتایج به وضوح ضرورت ایجاد تغییرات در این مجموعه را نشان می دهد. تغییراتی که در صورت اجرا می تواند بخش زیادی از کمبودهای یادشده و به تعبیری نیازهای اساسی ساکنان منطقه را پوشش دهد.

اما همانطور که اشاره شد، درباره ماهیت تغییرات مورد نظر نیز دویکرد (سناریو) متفاوت در اظهارات و دیدگاه‌های مدیران شهری منطقه قابل ردیابی است. رویکرد اول، بر خلع ید کامل سازمان‌های آموزش و پرورش و بهزیستی از اراضی کانون ابوذر، تملک کامل قانونی و اداری این مجموعه، تخریب بناهای فعلی و احداث یک مجموعه بزرگ و چندمنظوره در این اراضی تأکید دارد. طبق نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه، پیش‌بینی می‌شود که تحقق این سناریو در کنار تمام مزایا و آثار مثبتی که برای شهروندان منطقه و به‌ویژه خود سازمان شهرداری می‌تواند در پی داشته باشد، اما اجرای آن با هزینه‌های قابل توجهی به‌ویژه در حوزه نهادی همراه است و تأثیرات انباشتی آن حتی در سایر حوزه‌ها نیز دامن شهرداری و به‌ویژه شهروندان خواهد گرفت. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که ریشه بسیاری از این تأثیرات منفی احتمالی را در رویکرد تقابلی می‌توان ردیابی کرد که سازمان شهرداری در مواجهه با سایر سازمان‌های ذی‌نفع (مشخصاً آموزش و پرورش و بهزیستی) ممکن است در پیش گیرد. مطالعه حاضر، اتخاذ چنین رویکردی در اجرای پروژه حاضر را از یک سو مانعی بر سر راه شکل‌گیری یک نگاه مشارکتی بین‌سازمانی قلمداد می‌کند که تبعات آن ممکن در سایر فعالیت‌هایی که نیازمند مشارکت سازمان‌های یادشده است، خود را نشان دهد. از سوی دیگر با توجه به تمایل آشکاری که در بین شهروندان منطقه و به‌ویژه خانواده‌های استفاده‌کننده از خدمات کانون ابوذر به تداوم حضور مسئولان و کادر آموزشی فعلی در این مجموعه مشاهده می‌شود، اتخاذ رویکرد تقابلی یادشده و تحقق سناریوی تغییر وضعیت را همچنین می‌توان به عنوان مانعی مهم در جلب مشارکت حداکثری شهروندان در پروژه مورد بررسی نیز تلقی نمود.

بر همین اساس نتایج این مطالعه با توجه به توازن آثار پیش‌بینی شده مثبت و منفی، سناریوی سوم یا تعدیل وضع موجود را به عنوان سناریوی برتر به سازمان کارفرما پیشنهاد می‌کند. به نظر می‌رسد که با اجرای این طرح پیشنهادی، تأثیرات مثبت اقدام در تمام حوزه‌های مورد بررسی، وزن به‌مراتب بیشتری خواهد داشت و در ضمن هزینه‌های ناشی از احتمال بروز تأثیرات منفی به صورت انباشتی نیز به حداقل می‌رسد. جان کلام پیشنهاد حاضر بر این ایده استوار است که طراحی و اجرای پروژه احیا و توسعه کانون ابوذر از همان ابتدا بر اتخاذ یک رویکرد تعاملی با سازمان‌های یادشده و ساکنان فعلی این مجموعه، اعم از مسئولان و استفاده‌کنندگان استوار بوده، مراحل اجرا و بهره‌برداری از پروژه به نحوی پیش رود که در نهایت تصویری از مشارکت سازنده مبتنی بر ایده برد - برد را به جای برد - باخت در بین ذی‌نفعان ایجاد نماید. در راستای نیل به این هدف، تیم اتاف بر اساس نتایج بررسی، پیشنهادهایی را تدوین کرده است که در قالب سه مقوله نظام بسامد اجرا، نظام کارآمد ارتباطی و نظام هوشمند پایش در ادامه ارائه شده است.

## الف) نظام بسامد اجرا

تیم اتاف در طراحی نظام کاربست بر نقاط ضعف یا به عبارتی عوامل ریشه‌ای پدیدآورنده مسائل و تأثیرات نامطلوب پروژه، تمرکز دارد و در کاربست پیش رو درصدد ارائه پیشنهادهایی برای کمرنگ ساختن این عوامل و به حداقل رساندن آن است. بنابراین از آنجا که نتایج این مطالعه، ریشه‌های اصلی مسئله را در حوزه‌های ترافیکی، اجتماعی، کالبدی - فعالیتی و نهادی احصا کرده است، بدیهی است که ایده اصلی ما در طراحی نظام بسامد اجرا در این مطالعه نیز بر لزوم ایجاد تغییرات مربوطه در این حوزه‌ها استوار خواهد بود. به عبارت بهتر، پیشنهاد اصلی تیم اتاف که از نتایج پژوهش حاضر به دست آمده است، بر لزوم در پیش گرفتن رویکرد تعاملی در اجرای پروژه احیاء و توسعه اراضی کانون ابوذر تأکید دارد و در ادامه برای اجرای مطلوب این سناریو و کاستن از تأثیرات منفی آن و نیز بالا بردن احتمال موفقیت پروژه در جلب توجه و استقبال شهروندان، به ارائه برخی پیشنهادهای تکمیلی در حوزه‌های سه‌گانه یادشده می‌پردازد.



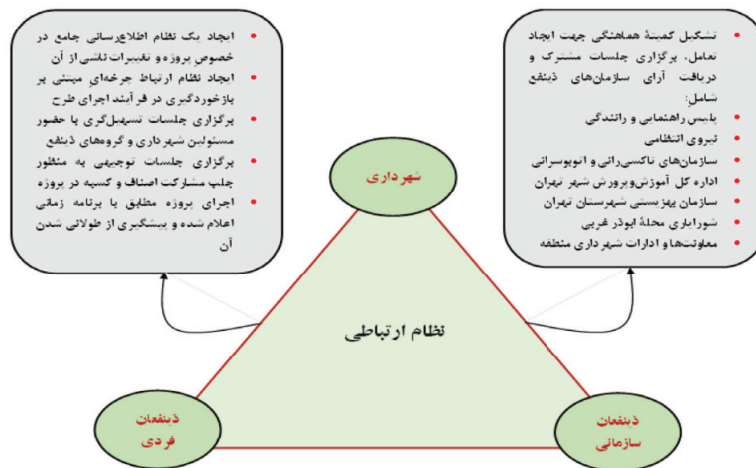
شکل ۹- کاربست پژوهش (نظام بسامد اجرا)

## ب) نظام کارآمد ارتباطی

بخش دیگر کاربست مطالعه حاضر به نظام ارتباطی مورد نیاز برای موفقیت پروژه مربوط است. در واقع خروجی مهم این مطالعه در بخش ارزیابی تأثیرات در قالب سناریوهای سه‌گانه، ضرورت شکل‌گیری یک رویکرد تعاملی میان ذی‌نفعان یا به تعبیری بازیگران اصلی مرتبط با پروژه است. این نظام ارتباطی در یک نگاه کلی از سه عنصر اصلی، شامل شهرداری، ذی‌نفعان سازمانی و ذی‌نفعان فردی و پیوندهای میان این سه عنصر تشکیل می‌شود. اگر این مدل را روی یک مثلث نمایش داده شود، زوایای

سه‌گانه این مثلث، عناصر و اضلاع مثلث، روابط میان این عناصر را نشان خواهد داد. از مهمترین ذی‌نفعان سازمانی پروژه می‌توان به پلیس راهنمایی و رانندگی، نیروی انتظامی، سازمان‌های تاکسیرانی و اتوبوسرانی، اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، سازمان بهزیستی شهرستان تهران، شورایی محله ابوذر غربی و معاونت‌ها و ادارات شهرداری منطقه اشاره کرد و ذی‌نفعان فردی نیز تمام کسبه، ساکنان و مراجعان به مجموعه را شامل می‌شود. پروژه احیا و توسعه اراضی کانون ابوذر در صورتی با موافقت همراه خواهد بود که با رویکرد مشارکتی به مرحله اجرا درآید. اتخاذ چنین رویکردی مستلزم ایجاد یک نظام ارتباطی میان عناصر ذینفع است.

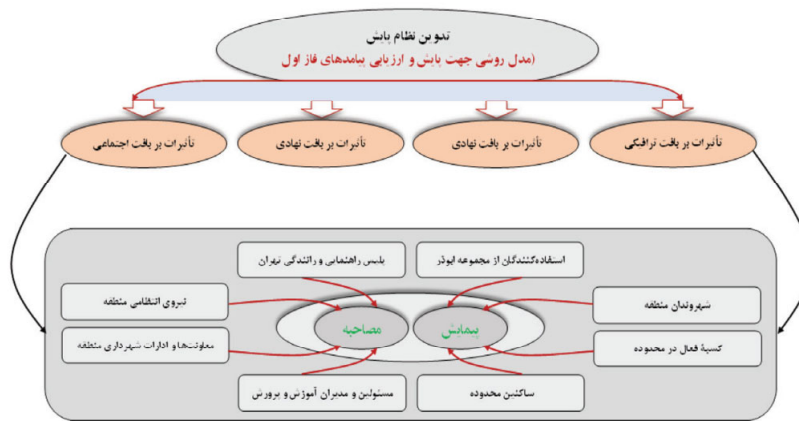
شکل زیر، راهکارهای پیشنهادی اتاف درباره نظام ارتباطی یادشده را نمایش می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، دو ضلع از اضلاع مثلث که ارتباط میان شهرداری و ذی‌نفعان فردی و سازمانی را به نمایش می‌گذارد، اهمیت بالایی در این نظام ارتباطی دارد. طبق نتایج این پژوهش، مشکلاتی در این روابط وجود دارد (از جمله اختلاف نظر موجود میان شهرداری و آموزش و پرورش درباره مالکیت و تصدی‌گری مجموعه و ضعف اعتماد عمومی به شهرداری) که باید ترمیم شود.



شکل ۱۰- مدل پیشنهادی برای ترمیم نظام ارتباطی

### ج) نظام هوشمند پایش

طراحی و تدوین نظام هوشمند پایش با هدف مراقبت‌های پس از اجرای اقدام مداخله‌ای انجام می‌شود. برای طراحی نظام پایش معمولاً فهرست بازبینی‌ای (چک‌لیستی) طراحی می‌شود که مراحل انجام کار را مشخص کند و جدولی طراحی می‌شود که اگر از سنتز تأثیرات، اثرات جدیدی ایجاد می‌شود پایش شود. همچنین برنامه‌جبرانی برای تأثیرات و رویدادهای غیر قابل تعدیل و توقف طراحی می‌شود.



شکل ۱۱- مدل پیشنهادی برای راه‌اندازی نظام پایش

در پژوهش حاضر، راه‌کار گروه اتاف برای پایش تأثیرات و آثار پروژه پیاده‌راه‌سازی مبتنی بر این ایده است که مراحل مختلف طراحی، اجرا و بهره‌برداری از پروژه در فازهای مختلف و دوره‌های زمانی مشخص تقسیم‌بندی شده، بین اتمام اجرای هر فاز و شروع اجرای فاز بعدی، تأثیرات پیش‌بینی شده اقدام بررسی شده و نتایج همین بررسی موجبات تصمیم‌گیری درباره اجرای فاز بعدی را مشخص نماید. پیشنهاد می‌شود برای انجام این پایش‌ها از مدل ارزیابی تأثیرات ارائه شده در این گزارش استفاده شود و پس از اتمام هر فاز، تأثیرات پیش‌بینی شده آن در قالب ابزار مناسب، از جمله پرسشنامه و مصاحبه، در معرض آرای گروه‌های ذی‌نفع قرار گیرد و ارزیابی شود. بدیهی است که ابزار مورد نیاز برای بررسی تأثیرات یادشده برحسب گروه هدف هر تأثیر تعیین خواهد شد. برای نمونه، تأثیراتی که معطوف به شهروندان یا استفاده‌کنندگان از مجموعه است، از طریق ابزار پرسشنامه و تأثیراتی که مربوط به ذی‌نفعان سازمانی از جمله بخش‌های مختلف سازمان شهرداری، سازمان آموزش و پرورش، بهزیستی، پلیس راهنمایی و پلیس انتظامی و... از طریق انجام مصاحبه‌های مرتبط قابل حصول خواهد بود.

### پی‌نوشت

۱. وزن‌دهی به این صورت بوده است که به تأثیراتی که برد محلی دارند، ضریب ۱، به تأثیرات دارای برد منطقه‌ای، ضریب ۲ و تأثیرات با برد کلان‌تر، ضریب ۳ داده شده است. بدیهی است که برای تأثیرات مثبت از اعداد مثبت و برای تأثیرات منفی از اعداد منفی استفاده شده است.

## منابع

- اشرفی، یوسف و طلا رشیدی (۱۳۹۲). «ارزیابی تأثیر اجتماعی پروژه‌های شهری؛ نمونه موردی: پارک کودک ظفر گلچین در منطقه ۱۰ شهرداری تهران». نشریه مدیریت شهری. دوره یازدهم، شماره ۳۱، صص ۲۹۵-۳۱۵.
- بختیاری، پیمان؛ استادی جعفری، مهدی؛ کرم‌رودی، محمود و میقات حبیبیان (۱۳۸۸). جایگاه انرژی‌های تجدیدپذیر در نظریه حمل‌ونقل پایدار مسافر، دوره چهارم، شماره ۱۲، صص ۷۷-۹۶.
- جوان، جعفر و عبدالله عبدالهی (۱۳۸۷). «عدالت فضایی در فضاهای دوگانه شهری (تبیین ژئوپلیتیکی الگوهای نابرابری در حاشیه کلانشهر مشهد)». فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۵۶.
- حاتمی‌نژاد، حسین و یوسف اشرفی (۱۳۸۸). «دوچرخه و نقش آن در حمل‌ونقل پایدار شهری؛ نمونه موردی: شهر بناب». مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۰، صص ۴۵-۶۳.
- روچ، کریس (۱۳۸۷). ارزیابی تأثیر پروژه. ترجمه حسن چاووشیان. تهران، اختران.
- سرور، رحیم و مهدی امینی (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی تأثیر اجتماعی - فرهنگی ترافیک و حمل‌ونقل شهری. تهران: تیسرا.
- شرزه‌ای، غلامعلی و وحید ماجد (۱۳۹۰). «تأمین مالی پایدار شهری؛ چگونگی تأمین مالی به منظور توسعه پایدار شهری». مدیریت شهری. دوره نهم، شماره ویژه‌نامه، صص ۲۹۹-۳۱۵.
- کریمی، علیاشرف و محمد شوهانی (۱۳۹۳). «مکانیابی فضاهای سبز با رویکرد توسعه پایدار در پر کردن اوقات فراغت». فرهنگ ایام. دوره پانزدهم، شماره ۴۴، صص ۹۵-۱۱۱.
- محمدی سنگلی، خشایار و سیده صدیقه قرشی (۱۳۹۵). «توسعه پایدار شهری، رویکرد جهانی با راهکارهای محلی (مطالعه موردی: بررسی معیارهای پایداری در معماری سنتی شهر یزد)». شبک، سال دوم، شماره ۴ و ۵، صص ۸۷-۹۸.
- محمدی، مریم (۱۳۸۷). «زنان و رویکرد عدالت جنسیتی در توسعه پایدار». جستارهای شهرسازی. شماره ۲۴، صص ۵۶-۶۳.
- دفتر نوسازی ناحیه ۱ منطقه ۱۷ تهران (۱۳۹۵). سند توسعه محله ابوذر غربی. شهرداری منطقه ۱۷ تهران.



- Ebrahimabadi, M.S.)2008(. Accessibility and Street Layout, Master Thesis in Urban Planning and Design. Stockholm: Sweden
- Fujita, K., (2009). Urban justice and Sustainability, Local Environment, VOL. 14. NO. 5.
- Hellegers, S., (2011), Justice and Mobilities in the Netherlands. Master Thesis Human Geography.
- Soja, E., (2009). the city and spatial justice, justice spatial/spatial justice, www.jssj.org.
- Visser. G., (2003). Spatiality's of Social Justice and Local Government Transition: Notes on and for South African Social Justice Discourse, South African Geographical Journal. VOL. 85(2).

